

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"
۱۵ جنوری ۲۰۱۶

"صد غزل سیدای کروخی هروی"

۳۵

منظومه سی و چارم

سایه جنون

ماه من تا دست در آغوش ساغر میکند
شمع رویش هر دو عالم را منور میکند
گر بگویم دیده افلاک پر خون میشود
آن چه بر جان من آن شوخ ستمگر میکند
خیره چشمیهای خورشید فلک را بنگرید
روی خود را با کف پایش برابر میکند
طالعی دارم که گر اهل غرض از من به وی
هر چه بدگوئی کند، البته باور میکند
نامسلمانی، که ناز چشمش از هر گوشه ای
صد مسلمان را نگه ناکرده کافر میکند
صد شکن دارد دو زلفش یک شکن گر و شود
تا قیامت مجلس ما را معطر میکند
نرگس مستش اگر با سرمه گردد همنشین
یک نگاهش هفت کشور را مسخر میکند

سایه اهل جنون به هر که افتد «سیدا»

خاک را بر دست گیری، فی المثل زر میکند